

روزگ‌زشته آیین نکوداشت مسعود نیلی، اقتصاددان باسابقهٔ کشورمان بعداظهر در محل آمفی تئاتر دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف با حضور جمعی از اقتصاد دانان، دانشجویان و فعالان اقتصادی برگزار شد. در ابتدا نگاهی به زندگی علمی و سیاسی وی داریم. سپس به بررسی برخی از دیدگاه‌های وی پرداخته شده و درنهایت نقدی به افکار و اندیشه‌های او خواهیم داشت. مسعود نیلی در سال ۱۳۳۲ در شهر همدان در خانواده‌ای از طبقه متوسط به‌دنیا آمد و پس از قبولی در آزمون پذیرش دانشگاه شریف در رشته عمران مشغول به تحصیل شد. در ادامه وی در مقطع ارشد رشته مهندسی سیستم های اقتصادی اجتماعی در دانشگاه صنعتی اصفهان مشغول به تحصیل شد. او پس از فارغ‌التحصیلی ضمن حضور در سازمان برنامه‌ورودجه به سمت معاون اقتصادی این سازمان ارتقا یافت. در ادامه وی در برخی تصمیمات کلیدی مثل نرخ ارز، اختلاف‌نظرهای جدی با دولتمردان داشت که زمینه‌ساز جدایی او از سازمان برنامه و پیگیری ادامه تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه منچستر انگلیس شد. نیلی در سال ۱۳۴۶ مجدداً معاون اقتصادی سازمان برنامه شد. در ادامه اختلاف‌نظرهای اجرایی برنامه سوم تشدید وی مسعود نیلی از سازمان برنامه جدا شد. نیلی با همکاری علیقلی مشایخی دانشکده مدیریت و اقتصاد در دانشگاه شریف راه‌اندازی کرد. با روی کارآمدن دولت روحانی، نیلی با عرضه تحلیل خود از چشم‌انداز میان‌مدت اقتصاد ایران، به عنوان مشاور اقتصادی رئیس جمهور انتخاب شد. در مجموع، مسعود نیلی شاید جزء معدود اقتصاددانان ایرانی است که حضور پررنگی در عرصه سیاستگذاری اقتصادی داشته است.

به‌طور خلاصه، نیلی در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ و نیز از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به‌عنوان معاون امور اقتصادی سازمان برنامه‌ورودجه فعالیت می‌کرد. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ رئیس دپارتمان اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بود. نیلی از ۱۳ شهریور ۱۳۹۲ در ۲۵ مرداد ۱۳۹۶ مشاور رئیس جمهور در امور اقتصادی و از ۲۵ مرداد ۱۳۹۶ تا ۲۲ آبان ۱۳۹۷ در سمت دستیار رئیس جمهور در امور اقتصادی فعالیت کرده است. وی از ۱۵ مهرماه ۱۳۹۲ به‌عنوان «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» معروف به «موسسه نیپاروان» منصوب شد و تا آذرماه ۱۳۹۷ در این موسسه فعالیت کرده است.

### نیلی از زبان مسعود نیلی

مسعود نیلی در مراسم نکوداشت خود و در پاسخ به سوالی پیرامون نقطه الهام‌بخش «مسعود نیلی شدن» اظهار داشت: «تجربه لحظه‌های ناب و تکران‌شدنی است که تقریباً تمام افراد دوست داشتنی شما در یک مکان جمع شوند، بدون شک، بزرگ‌ترین ثروت من نیز وجود همین افراد در زندگی من است. شاید آن چیزی که سرزوشتم من را رقم زد، تلاش من برای قاعده‌مند شدن و مطالعه درسی بود که بتواند به حل و درک مسائل کشور کمک کند؛ در نتیجه من شیفته علم اقتصاد و مهر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علم اقتصاد شدم؛ هم‌راه سال ۱۴۰۲، از دوره ۴۰ سال اول عبور کردم و دوره ۴۰ سال دوم را آغاز کرده‌ام و قرار است این راه را ادامه دهم. رشد دانشجویان مانند رشد فرزندانم برای من لذت‌بخش است. علاقه من دانشگاه است. بازنشسته شدم اما صبح که از خانه بیرون می‌آیم خودی‌رو من خودبه‌خود به دانشگاه می‌رود.» وی افزود: «ورود به عرصه تدوین برنامه سوم توسعه، نقطه عطفی در مسیر شغلی و فکری من بود. ایده‌ای در ذهن داشتم که برنامه‌ریزی در کشور نیازمند تحولی اساسی است. این ایده با ورود به سازمان برنامه‌ورودجه و آغاز فرآیند تدوین برنامه سوم، به پوته آزمایش گذاشته شد. ایجاد تغییر در نظام برنامه‌ریزی، ریسک بزرگی بود. چالش اصلی، متقاعد کردن کل سیستم تصمیم‌گیری کشور برای پذیرش این تحول بود. خوشبختانه با شروع این دگرگونی از درون سازمان مسیر برای جلب نظر دولت، مجلس و شورایی نخبهان هموار شد. ایجاد رشته اقتصاد در دانشگاه صنعتی شریف به عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای من همواره در صدر فهرست افتخاراتم قرار دارد. راه‌اندازی این رشته، در شرایطی که هیچ‌گونه هسته اولیه وجود نداشت،

«فرهیختگان» به بهانه مراسم نکوداشت دکترمسعود نیلی نگاهی به افکار و اندیشه‌های ایشان داشته است

# در نقد و تایید اقتصاددان محافظه‌کار

کاری بس دشوار بود. تلاش‌های شبانه‌روزی و همدلی اساتید برجسته، نقشی اساسی در تحقق این امر مهم ایفا کرد.»

وی ادامه داد: «یک اقتصاددان چهار حوزه ارتباطی دارد که نسبت به آن مسئول است؛ ارتباط با سیاست، دانشجویان، اقتصاددانان و جامعه‌از حوزه‌های یک اقتصاددان است. من در ابتدا که اقتصاد را آغاز کردم دو آرزو داشتم؛ آرزو اول من ایجاد رشته اقتصاد در دانشگاه صنعتی شریف بود که خوشبختانه به سرانجام رسید. آرزوی دوم من ورود علم اقتصاد در سیاستگذاری کشور بود. از سوی دیگر نیز باید اقتصاد را به‌سمت جامعه حرکت دهم و مطالبات مردم را در حوزه اقتصاد منطقی کنیم. اکنون یک سری اقتصاددان داریم که می‌گویند ما اصلاًعلم اقتصاد را قبول نداریم. من می‌گویم من همان اقتصادی هستم که در دانشگاه خوب دنیا تدریس می‌شود. همان اقتصادی که در آمریکا تدریس می‌شود، در مسکو، پکن و… هم تدریس می‌شود. این نشان می‌دهد ما هنوز در مرحله‌ای هستیم که باید از آن عبور کنیم و به سمتی برویم که اقتصاد مثل جامعه پزشکی تخصصی شود. اینکه یک نفر خود را جنرال‌لیست باندند و درباره همه چیز نظر بدهد خوب نیست. دو کار برای انجام داریم؛ یکی اینکه به‌سمتی حرکت کنیم که جامعه علمی اقتصاد را تخصصی کنیم و هر کس شناسنامه داشته باشد. کسی که در زمینه رقابت و انحصار یک پایان‌نامه نداشته چطور نظر می‌دهد؟ از سوی دیگر نیز ما در زمینه آوردن اقتصاد به بطن جامعه باید کار کنیم.»

### منظومه فکری مسعود نیلی

**تشخیص و تجویز نیلی**

نیلی در تبیین وضع موجود معمولاً به آمارها نگاهی طولانی مدت دارد و برای توضیح وضع هر متغیر اقتصاد ایران از داده‌های دهه ۳۰ یا ۴۰ شمسی تا به الان استفاده می‌کند و تحلیلی بلندمدت ارائه می‌دهد. او معتقد است عملکرد بلندمدت را اصولاًسیاست‌های بلندمدت می‌سازند، نه منابع طبیعی یا شوک‌های مقطعی یا موضوعات دیگر. در اقتصاد ایران هم سیاست‌های بلندمدتی مقصر اصلی هستند که از هویت نظام حکمرانی نشأت می‌گیرند. وی بر هشت سیاست که مانع رشد اقتصادی ایران بوده است تأکید می‌کند:
۱- تنش‌های خارجی
۲- کسری بودجه مزمن و پایدار، ۳- تعیین دستوری نرخ بهره بانکی (معمولاًپایین‌تر از تورم)
۴- نظام ارزی چندنرخ‌ی، ۵- قیمت‌گذاری دستوری دولت، ۶- نظام تعرفه‌ای خاص اقتصاد ایران (تعرفه‌های بسیار بالاو موانع غیرتعرفه‌ای بسیار)، ۷- عرضه ارزان قیمت انرژی و ۸- نظام بنگاه‌داری عظیم غیرخصوصی و غیررقابتی. او بیان می‌کند این هشت سیاست به نظام حکمرانی کشور گره خورده است و ریشه برخی از این سیاست‌ها، به باورهای ایدئولوژیک اول انقلاب برمی‌گردد. فهم سیاست‌گذاران اولیه از شعار استقلال، تقابل با غرب بوده است. شعار عدالت هم تحت تاثیر برداشتی خاص قرار داشته که از دهه ۴۰ از مارکسیسم تاثیر پذیرفته و عدالت را عرضه ارزان کالا و خدمات به مردم می‌داند. این باورهای ایدئولوژیک باعث نقش مسلط و دخالت شدید دولت در اقتصاد شده است.

### اقتصاد سیاسی مخارج دولت

از نگاه نیلی حضور دولت و مخارج آن از دو مسیر قابل بررسی است؛ مسیر اول، دوره‌های افزایش درآمدهای نفتی؛ در این دوره‌ها شاهد افزایش بودجه جاری، عمرانی و فرابودجه و افزایش ذخایر خارجی بانک مرکزی هستیم که به افزایش پایه پولی و نقدینگی و دنبال آن تورم ختم می‌شود؛ اما در این دوران به دلیل رونق درآمد نفتی اثرات توری افزایش نقدینگی نشان داده نمی‌شود. مسیر دوم، دوره‌های کاهش درآمدهای نفتی؛ در این دوران نمی‌توانیم مخارج را متناسب با کاهش درآمدهای نفتی کاهش دهیم؛ پس با کسری بودجه، افزایش بدهی دولت به نظام بانکی و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مواجه می‌شویم که این نیز به افزایش پایه پولی و نقدینگی (افزایش شدیدتر نسبت به مسیر اول) و نهایتاً تورم منجر می‌شود. در شرایط تورمی، دولت به جای اینکه رفتار خود را اصلاح کند و به سراغ اصلاح مخارج خود برود، به دخالت بیشتر در اقتصاد روی می‌آورد. درواقع دولت

با هدف حمایت از آسیب دیدگان تورم (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) در بازارهای مختلف مداخله می‌کند. در شرایط تورمی دولت با مداخله در بازار محصول، قیمت‌گذاری دستوری انجام می‌دهد و به تخریب محیط کسب‌وکار دامن می‌زند.

راه‌حل اقتصاد کلان نیلی برای وضع موجودی که او تبیین می‌کند، این است که یک عدد ثابت از درآمد نفت وارد بودجه دولت شود (فارغ از افزایش یا کاهش درآمد نفتی)، مثلاً ۲۰ میلیارد دلار سالانه به دولت اختصاص یابد که باعث کاهش سهم نفت در بودجه خواهد شد. او معتقد است تا زمانی‌که اقتصاد سیاسی درست نشود، این ایده پذیرفته نخواهد شد.

## ۳ حمایت تورم‌زای دولت از تولیدکننده برای جریان آسیب‌های او از تورم

نیلی معتقد است دولت برای جریان این تخریب و حمایت از تولیدکننده، شروع به امتیاز دادن به بنگاه‌ها می‌کند و اقلام اصلی هزینه‌های بنگاه‌ها تحت کنترل خود درمی‌آورد. اولین امتیاز، دادن انرژی با قیمت پایین به بنگاه‌هاست که این مداخله دولت در بازار انرژی به افزایش شدید مصرف انرژی، تخریب محیط زیست، رشد بخش غیررسمی و افزایش قاچاق انرژی و گسترش صنایع انرژی‌بر منجر می‌شود. امتیاز دوم، چندنرخ کردن ارز و اجازه واردات با قیمت مصطلحتی به بنگاه‌هاست. این شکل از مداخله باعث جایگزینی تولید داخل با واردات و فساد می‌شود. امتیاز سوم، به‌دنبال مداخله در سه بازاری که ذکر شد و تشدید کسری بودجه، دولت به سراغ مداخله در بازار پول و کمک به تولیدکننده از این طریق می‌رود. پایین نگه‌داشتن نرخ بهره فارغ از تورم نمونه‌ای از این مداخله است که سبب توسعه بخش‌های غیرسرمایه‌بر، شکل‌گیری بخش غیررسمی در بازار پول و حرکت منابع به سمت دارایی‌های نوسان‌زا می‌شود. امتیاز چهارم، مداخله در تجارت خارجی و کمک به بنگاه است که دولت برای جریان کاهش نرخ ارز حقیقی، تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای را افزایش می‌دهد. امتیاز پنجم، عرضه منابع طبیعی (آب و…) با قیمت پایین که به بحران محیط‌زیستی منج می‌شود؛ بنابراین دولت برای حمایت از تولیدکننده امتیازات مختلفی به او می‌دهد که علاوه بر ایجاد بحران‌های مختلف، باعث تورم بیشتر می‌شود.

## ۴ حمایت تورم‌زای دولت از مصرف‌کننده برای جریان آسیب‌های او از تورم!

نیلی می‌گوید در شرایط تورمی دولت به حمایت قیمتی از مصرف‌کننده می‌پردازد و شروع به سرکوب قیمت‌ها برای جلوگیری از گرانی‌ها می‌کند. این شیوه حکمرانی اجتماعی که در آن نقش اجتماعی و اقتصادی دولت هماهنگ نیست به تورم بیشتر و کسری بودجه منجر می‌شود. نیلی معتقد است جامعه هدف سیاست قیمتی کل مردم است و حتی دهک‌های درآمدی بالا استفاده بیشتری از آن می‌برند، بنابراین برای مسئولیت‌های اجتماعی دولت شیوه حکمرانی اجتماعی دیگری را پیشنهاد می‌دهد که در آن سیاست‌های درآمدی محوریت دارد؛ بدین صورت که یک کف درآمدی در کشور مشخص می‌شود و هر کس که در پایین این کف قرار گیرد از او حمایت می‌شود. در این حالت اصابت حمایت‌ها فقط به دهک‌های درآمدی پایین است.

نیلی تعریف سیاستگذار از استقلال و عدالت را حدی می‌داند و گمان می‌کند استقلال مدنظر حکمران به معنای قطع رابطه یا تقابل با خارج از کشور است که بررسی کلام حکمرانان کشور چنین چیزی را اثبات نمی‌کند. علاوه بر این در مقام پاسخ و ارائه راه‌حل برای مشکلات اقتصادی، خود او در حالت حدی از وابستگی را مشخص می‌کند. وی ریشه‌های مشکلات کشور را ایدئولوژیک و تمامی تحلیل‌های خود را عاری از ایدئولوژیک می‌داند. درحالی‌که صحبت‌ها یا هشدارهای اقتصادی او رگه‌های از گرایش‌ها و ایدئولوژی‌های او را نشان می‌دهد، به‌عنوان مثال در برخی دوره‌ها با تغییرات و نوسانات متغیرها هشدارهای جدی اقتصادی می‌دهد ولی در دوره‌های سیاسی دیگر نسبت به نوسانات و تغییرات در همان سطح متغیرها سکوت می‌کند و در مقام تجویز برای مسائل بدون درنظر گرفتن شرایط خاص کشور و ویژگی‌های حکمرانی آن، به‌طور حدی بر راه‌حل‌های جریان اصلی اقتصاد تأکید دارد.

یادداشت

**ضعف و سوءتفاهم**

**در تعریف «استقلال»**

**اکبراحمدی**

**دانش‌اموخته اقتصاد**

مسعود نیلی، اقتصاددان و رئیس پیشین دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بازنشسته شد و اخیراً در همان دانشگاه آیین گرامیداشتی برگزار کردند. به این مناسبت نگاهی انتقادی به محوری‌ترین راهکار او برای وضع اقتصادی فعلی داشتیم. مسعود نیلی معتقد است «سیاست» ما را به این روز انداخته است نه «سیاستگذاری اقتصادی». او با این جمله خودش –به‌مثابه اقتصاددان– را تیرنه می‌کند و توپ را در زمین سیاستمدار می‌اندازد. اما آیا این اظهارنظر، مبتنی‌بر شناخت دقیق سیاستمدار و ملاحظات اوست؟! به‌نظر می‌رسد چنین نباشد. نیلی گمان می‌کند مشکل اصلی سیاست ما آن است که تعریف درستی از «استقلال» نداریم و اگر استقلال را به جای «انزوا»، «وابستگی متقابل» معنا کنیم، سیاست از جلوی راه سیاستگذاری اقتصادی کنار می‌رود و بخش مهمی از مشکلات اقتصاد حل می‌شود. در این یادداشت خواهیم دید که اولاً تعریف سیاستمدار ایرانی از «استقلال»، انزوا نیست و در ثانی «وابستگی متقابل» نیز نمی‌تواند راهکار دقیقی باشد.

### ایده وابستگی متقابل

مسعود نیلی در فصل اول گفت‌وگوهای «آینده ایران» که توسط «رسانه‌ی آزاد» برگزار شد (انتشار در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۹۲) می‌گوید: «درمورد اصلاح سیاست داخلی و خارجی شرط لازم برای اصلاح اقتصادی است، هرچند کافی نیست. سیاست اقتصاد ما را به این روز انداخته، نه سیاستگذاری اقتصادی؛ چراکه سیاست زمین بازی اقتصاد را تعیین می‌کند. تعریف ما از استقلال کشور تعارض با دنیا و یک اقتصاد درون‌گرا را نتیجه داده است. درحالی‌که در جهانی که هر کشوری باید براساس منافع خودش نسبت دیگر کشورها رفتار کند، استقلال به معنای وابستگی متقابل و تعامل با دنیاست، نه خودکفایی و تقابل با دنیا». وی پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با اکوایران (تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۴۰۱) گفته بود: «دیگر الان می‌توانیم با اطمینان بگوییم که ما نتوانستیم تعریفی که متضمن استقلال کشور باشد و از دلش تعامل با دنیا در بیاید، ارائه کنیم. فکر می‌کنیم که مستقل بودن یعنی در تعارض بودن، نه در تعامل بودن. براساس تحلیل‌های چند دهه پیش فکر می‌کنیم الان هر کشوری که در دنیا با کشورهای پیشرفته مناسباتی برقرار می‌کند، حتماً در یک رابطه استعماری قرار گرفته است.»

### استقلال، انزوا نیست!

این در حالی است که اساساً تعریف رهبران انقلاب اسلامی از «استقلال» هیچ ربطی به ایده انزوای اقتصادی ندارد. هنگامی که نشریه «اکنونیست» از امام خمینی (ره) پرسید که «آیا شما ترتیبات یا قراردادهای بازرگانی، تجارتی و داد و ستد فعلی را با غرب ادامه خواهید داد؟ سیاست تجارتی شما چیست؟»، امام پاسخ دادند: «ما همان‌طور که از تولیدات داخلی کشور به هر دولتی که مشتری آن باشد می‌فروشیم و صادر می‌کنیم، همان‌طور هم هر چه را که در داخل به آن نیاز داشته باشیم از خارج می‌خریم. ولی در همه این تجارت‌ها بر مبنای دو طرف مساوی عمل خواهیم کرد و حاضر نیستیم که دولتی بخواهد مبادلات اقتصادی را اهرمی برای نفوذ سیاسی و تحمیل اغراض استعمارگرایانه خود قرار دهد.» همچنین رهبر معظم انقلاب نیز بارها تصریح کرده‌اند که استقلال اقتصادی، به معنای لغو داد و ستد با دنیا نیست. <sup>۱</sup> همچنین استقلال را مانع جذب سرمایه‌های خارجی نیز نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

### کدام وابستگی متقابل؟!

با این وجود سیاستمدار نگرانی‌هایی دارد که اقتصاددان باید آنها را درک کرده و برایشان چاره‌ای بیندیشد. ادبیات مسعود نیلی درمورد «استقلال به‌مثابه وابستگی متقابل» نشان می‌دهد این تفاهم میان او با سیاستمداران ارشد در کشور شکل نگرفته است. سیاستمدار نگران آن است که در نتیجه وابستگی متقابل، ایران در هاضمه سرمایه‌داری جهانی هضم نشود. در شرایطی که براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ تنها ۰۹۹ درصد از اقتصاد دنیاست اما سهم ایالات متحده از اقتصاد جهانی ۱۵٫۲۲ درصد است، وابستگی متقابل بین این دو کشور دقیقاً چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! طبعاً سخن گفتن از وابستگی متقابل میان ایران و کشورهای اروپایی نیز معنایی ندارد؛ چراکه در تجربه برجام دیدیم کشورهای اروپایی خودشان در «وابستگی متقابل» با ایالات متحده گرفتارند و نتوانستند خلاف تصمیم ترامپ، روی زمین برای ایران کاری کنند.

### خلاً هویت

بنابراین برخلاف نگاه نیلی اتفاقاً سیاستمداران ارشد کشور تعریف دقیقی از استقلال دارند. ایشان استقلال را به معنای «هضم نشدن در هاضمه سرمایه‌داری جهانی» می‌دانند. راهکار پیشنهادی برای تحقق این هدف نیز آن است که «بزرگ شدن اقتصاد» تقدم رتبی و زمانی بر «ایده وابستگی متقابل» داشته باشد تا توازن در وابستگی برقرار باشد. یکی از مقامات ارشد دستگاه دیپلماسی که اتفاقاً به لحاظ سیاسی همسو با مسعود نیلی است، درمورد نگاه او به روابط بین‌الملل معتقد است این دیدگاه «هویت‌اندیش» نیست. حق هم همین است. وقتی کشور را به‌مثابه بنگاه اقتصادی ببینیم که برای بزرگ‌تر شدن باید وابستگی با سایر بنگاه‌ها –فارغ از اندازه‌شان– داشته باشد، عملاً در بلندمدت، هویت ملی برایمان باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر، یکی از پیچ و مهره‌های نظام سرمایه‌داری غرب خواهیم بود.

### پی‌نوشت

۱- صحیفه، جلد ۵، صفحه ۲۸۴

۲- بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۲۱/۵/۱۳۷۲

۳- بیانات در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۳/۱۴

## فرهنگ‌یگان

# اقتصاد

اقتصاد

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

اقتصاد

شماره ۴۰۷۴

اقتصاد

WWW.FDN.IR

اقتصاد

FARHIKHTEGANDAILY



دانیال داودی دانشجو دکتری توسعه اقتصادی

سال ۱۳۹۷، زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد بودم دکتر مسعود نیلی آرام‌آرام داشت از دولت حسن روحانی فاصله می‌گرفت. همان روزها روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با عنوان «تشریف داشتید آقای مشاور!» به نقد سیاست‌ها و عملکرد ایشان پرداخت. وقتی گزارش را خواندم، آن را غیرعنی و به دور از انصاف دیدم. نکاتی را در نقد آن گزارش –در فضای مجازی– مطرح کردم. دوستی از سرویس اندیشه روزنامه «فرهیختگان» تشویقم کرد تا همان نکات را در قالب یادداشتی رسانه‌ای منتشر کنم و من هم در یادداشتی با عنوان «بیباید اصولی نقد کنیم!» (۲۹ آبان ۱۳۹۷– خبرنامه دانشجویان ایران) نکاتی را در دفاع از نیلی نوشتم؛ یادداشتی که اولین کار رسانه‌ای‌ام بود. حالا دیروز دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، به‌مناسبت بازنشستگی نیلی آیین نکوداشتی برای ایشان برگزار کرده و نگارنده در این یادداشت به دعوت سرویس اقتصادی روزنامه «فرهیختگان»، می‌خواهد نکاتی در نقد برخی آرای ایشان ارائه کند.

### ماجرای درآمد سرانه

یک مولفه مهم در اقتصاد کلان درآمد سرانه و قدرت خرید است. در این خصوص دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و طبیعتی است که اگر اقتصاددان درمورد تغییرات درآمد سرانه، محاسبات دقیقی نداشته باشد، سایر تحلیل‌های مبتنی‌بر این شاخص نیز دقیق نخواهند بود. مسعود نیلی یک اظهارنظر معروف دارد. ایشان زمانی که مشاور رئیس‌جمهور بود (سال ۱۳۹۶ ادعا کرد «درآمد سرانه ما در حال حاضر ۷۰ درصد درآمد سرانه سال ۱۳۵۵ است.» اگر چه محاسبات نیلی این واقعیت را نشان می‌داد، اما اقتصاددان گاهی سریش را از روی کاغذ بلند کند و مشهودات را ببیند. اگر محاسبه با آنچه با چشم‌های غیرمسلح قابل دیدن است فرق داشت، حتماً یک جای کار محاسبه می‌لنگد. اگر کسی از درون روزنامه‌ها و خاطرات پدران و پدربزرگ‌ها هم سرانگ‌بهره‌مندی عمومی از امکانات مادی زندگی را بگیرد، خواهد دید که قدرت خرید حتماً افزایش یافته است. بخش مهمی از این افزایش بهره‌مندی هم به رشد تکنولوژی در جهان برمی‌گردد و ربطی به عملکرد اقتصادی کشوری خاص ندارد.

Was the Living Standard of Iranians Higher Before the Revolution?

### پی‌نوشت